

Maintaining the Place of Memories in the City from the Perspective of Jurisprudence ¹

Sayyed Mahdi Hashemi

PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Qom University; Level
4 student of International Institute of Islamic Studies, Qom Seminary; Qom - Iran

Abdollah Omidifard 

Associate Professor and Faculty Member, Department of Jurisprudence Qom
University; Qom- Iran; (*Corresponding Author*)

Receiving Date: 2022-01-23; Approval Date: 2022-02-24

**Justārḥā-ye
Fiḥī va Uṣūlī**


Vol.8, No.26
Spring 2022

125

Abstract

The issues of urban and urbanization jurisprudence are new and challenging in the field of jurisprudence. The rapid development of cities and urban communities, the growth of the quantitative and qualitative level of urban life, and consequently facing new topics that are intertwined with urban life advocates jurisprudence in order to respond to the questions and issues of urbanization in

1 . Omidifard- A; (2022); “ Maintaining the Place of Memories in the City from the Perspective of Jurisprudence “; *Jostar_ Hay Fihi va Usuli*; Vol: 8; No: 26; Page: 125-151;

10.22034/jj.2022.63429.2441

© 2022, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

accordance with the new issues and needs of urban dwellers in the construction of jurisprudence and *sharī'ah*. The place of memories in urban society in terms of identity and economy and their effective role is one of the urban issues that can be addressed. On the other hand, taking care of these places requires the enactment of laws that sometimes conflict with the individual jurisprudence of the citizens. Also, spending money from the public treasury to maintain these places, which are sometimes related to non-Islamic historical and civilizational periods, is itself questionable regarding the issue of whether it is legitimate to spend public funds to maintain these places or not. The jurisprudential view of this issue is very important in the Islamic urban society and the correct analysis of the jurisprudential principles can be the solution and response to many challenges, conflicts and questions in this field. This study uses a jurisprudential analysis from the perspective of evidence to prove the need to maintain the place of memories in urban communities.

Keywords: Jurisprudential Arguments of 'Lā Darar' Maxim, Interest, Right, Place of Memories, Urban Society.

**Justārḥā-ye
Fiqhī va Uṣūlī**

Vol.8, No.26
Spring 2022

126

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بررسی ادله فقهی حفظ مکان خاطرهما در شهر^۱

سید مهدی هاشمی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم؛ طلبه سطح چهار مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم؛ قم - ایران.

عبدالله امیدی فرد 

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم؛ قم - ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:omidifard.f@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان خاطرهما
در شهر

۱۲۷

چکیده

مباحث فقه شهر و شهرنشینی از مباحث جدید و چالشی در ساحت فقه به حساب می‌آید. شهرها و جوامع از یک سو، و سطح کمی و کیفی زندگی شهرنشینان از سوی دیگر، رشد روزافزون داشته‌اند. این پیشرفت‌ها و گسترش‌ها و مواجهه با مباحث جدیدی که با زندگی شهرنشینی آمیخته شده‌است، ساحت فقه را بر این می‌دارد تا به فراخور مسائل و نیازهای جدید شهرنشینان، درصدد پاسخگویی به سؤالات و مباحث شهرنشینی در ساحت فقه و شریعت باشد. از جمله مباحث شهری، جایگاه مکان خاطرهما در جامعه شهری از نگاه هویتی و اقتصادی و نقش مؤثر آن‌ها در این زمینه است. از سوی دیگر، حفظ و مراقبت و نگهداری از این مکان‌ها مستلزم وضع قوانینی است که گاهی با ساحت فقهی و فردی

۱. امیدی فرد، عبدالله. (۱۴۰۱). بررسی ادله فقهی حفظ مکان خاطرهما در شهر. فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۸ (۲۶). صص ۱۵۱-۱۲۵.

شهروندان در تعارض قرار می‌گیرد. همچنین هزینه کرد از بیت‌المال برای حفظ و نگهداری این مکان‌ها که در برخی از اوقات متعلق به دوره‌های تاریخی و تمدنی غیراسلامی می‌شود، خود سؤال برانگیز است که آیا این هزینه کرد امری مشروع است یا خیر؟ نگاه فقهی به این مسئله در جامعه شهری اسلامی بسیار حائز اهمیت است و تحلیل درست مبانی فقهی می‌تواند راهگشا و پاسخگویی بسیاری از چالش‌ها، تعارضات و سؤالات در این زمینه باشد. این نوشتار با نگاه فقهی از منظر ادله شرعی، درصدد اثبات لزوم حفظ و جلوگیری از از بین رفتن مکان‌خاطره‌ها و نیز لزوم وضع قوانین اجرایی در جهت جلوگیری از تخریب این مکان‌ها توسط دیگران است.

کلید واژه‌ها: ادله فقهی، لاضرر، مصلحت، حق، نفع، مکان‌خاطره، جامعه شهری.

مقدمه

از مناسبات زندگی شهری امروز، مسئله توجه به تعاملات و ارتباط تناتک شهروندان یک جامعه شهری است. هرچه میزان کمیت و کیفیت ارتباط افراد در یک جامعه شهری بیش‌تر و عمیق‌تر باشد و بر تمرکز بر مشترکات افزوده شود، جامعه شهری در حرکت به سمت پیشرفت و آرامش موفق‌تر خواهد بود. از جمله عوامل مؤثر در افزایش ارتباط و عمق‌بخشی به آن در تعاملات شهری بین شهروندان، رفت‌وآمد و توجه به مکان‌خاطره‌ها در یک شهر است، چراکه فضای موجود در این اماکن موجب هم‌بستگی بیشتر و عمیق‌تر افراد خواهد شد.

مکان‌خاطره‌ها را می‌توان از جهات مختلف فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و مدنی مورد بررسی قرار داد. هدف این نوشتار بررسی مکان‌خاطره‌ها از نگاه دینی و به معنای آخص از دیدگاه فقهی است و به فراخور این نگاه، توجه به جنبه‌های دیگر مکان‌خاطره‌ها در این نوشتار به میزان ارتباط آن‌ها به نگاه فقهی خواهد بود.

تاکنون اثر مکتوبی به‌طور مستقل در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است. فتاحی در کتاب میراث فرهنگی، بررسی فقهی حقوقی، به بررسی مسئله میراث فرهنگی - به‌طور عام - از دو زاویه فقهی و حقوقی پرداخته است که نگاه فقهی موجود در آن اثر، مختصر و کم‌رنگ است. بهرامی، قاسمی و ربیعی در مقاله

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۲۸

«هویت و فضای شهری: مکان‌خاطره و بازتولید هویت جمعی در اصفهان» به‌طور انحصاری به مسئله مکان‌خاطره‌ها و نقش هویتی آن‌ها در اصفهان پرداخته‌اند و هیچ‌گونه نگاه فقهی به مسئله نداشته‌اند. مرکز مطالعه و برنامه‌ریزی شهرداری تهران نیز در کتاب فقه مدیریت شهری به مباحثی چون کلیات، نذورات و وجوهات شرعی، مددجویان خیابانی و نیز مسئله زنان پرداخته‌اند و هیچ نشانی از نگاه به مسئله مکان‌خاطره‌ها در بین نیست. اراکی نیز در کتاب فقه عمران شهری، اگرچه به بحث درباره جایگاه معماری ساختمان‌ها و مکان‌ها و نقش نمادها و علائم شهری از نگاه فقهی پرداخته‌است، اما از مکان‌خاطره‌ها سخنی به میان نیاورده‌است. احمد الخشن نیز در کتاب اسلام و محیط زیست، از نگاه اسلامی و فقهی مسئله منابع طبیعی و زیست محیطی را مورد بررسی قرار داده‌است، بدون این‌که اشاره‌ای به مکان‌خاطره‌ها بنماید. از این رو نوشتار پیش‌رو اثری منحصر در زمینه پرداختن به مسئله مکان‌خاطره‌های شهری از نگاه فقهی است.

مفهوم مکان‌خاطره در شهر

مفهوم «مکان‌خاطره» ترکیبی از دو واژه «مکان»^۱ و «خاطره»^۲ است. درواژه‌شناسی معنای «مکان» را محل، جا و جایگاه، و معنای «خاطره» را اثری که از یک واقعه در ذهن کسی می‌ماند و یادبود و نیز یادگار ذکر کرده‌اند (عمید ۱۳۸۹، ذیل واژه مکان و خاطره). در اصطلاح پدیدارشناسی و روان‌شناسی محیطی، مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معانی باشد. مردم با توجه به ادراکاتی که محیط برایشان ایجاد می‌کند نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند (وحدت و کریمی مشاور و بخشی بالکانلو، ۱۳۹۶). برخی دیگر نیز چند ویژگی برای مکان در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند از موقعیت جغرافیایی یک مکان که نقطه‌ای واحد در جهان است و از این رو می‌تواند یک صندلی، اتاق، ساختمان، شهر، روستا یا یک منطقه مورد علاقه باشد. دومین

1. Realm of memory; Site of memory; Place of memory

2. Place

3. Memory

ویژگی، مادی بودن مکان است، خواه ساخته دست بشر باشد مانند خیابان‌ها، و خواه طبیعی باشد مانند درختان و صخره‌ها. سومین ویژگی سرمایه‌گذاری معنا و ارزش است به معنای همذات‌پنداری مردم با مکان و بازنمایی آن برای خود و دیگران، و به واسطه این تفسیر، روایت، ادراک، احساس و فهم تصور مردم است که مکان واجد معنا می‌شود (آقابابایی و ژیان‌پور، ۱۳۹۵).

و اما خاطره در مطالعات انسان‌شناسی به مثابه چیزی از گذشته است که امروز به یاد آورده می‌شود و یکی از عناصر کلیدی هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی قلمداد می‌شود (باقری و گلرخ، ۱۳۹۷).

بنابراین مراد از مکان خاطره مکانی است در یک جامعه شهری که در بردارنده نمادها و نشانه‌های خاطرات دور یا نزدیک و یادگارهای تاریخی و قدیمی یک جامعه شهری است. در حقیقت خاطرات مختلف مذهبی، فرهنگی، قومی، قبیله‌ای و اجتماعی نیاز به مکان‌هایی دارند تا در آنجا اتفاقات و رویدادهایی که با این خاطرات پیوند خورده و آمیخته شده‌اند مجسم شوند و به نمایش درآیند (بهرامی و دیگران، ۱۳۹۶، ۲). به عبارت دیگر، مکان خاطره‌ها فراتر از یک محل صرف هستند، بلکه دارای هویت‌اند و در ساخت هویت تاریخی و فرهنگی و اجتماعی یک شهر نقش و سهم ویژه‌ای دارند (سلیمانیه و طباطبایی یزدی ۱۴۰۰، ۲۱). به تعبیر دیگر، از آنجا که خاطرات مکان‌مند هستند، مردم خاطرات خود را به مکان‌ها متصل، و از طریق مکان‌ها خاطرات را بازسازی می‌کنند. آنچه نقش اساسی در پیدایش مکان خاطره دارد «اراده برای یادآوری» است، در غیر این صورت مکان خاطره‌ها تبدیل به «مکان تاریخی» می‌شوند که خاطره از مکان است نه مکان خاطره (باقری و گلرخ ۱۳۹۷). از تعریف و توضیح فوق روشن می‌شود که نسبت بین مکان خاطره و مکان تاریخی، آثار باستانی و میراث فرهنگی در یک جامعه شهری، عموم و خصوص من وجه است، به این معنا که ممکن است برخی از مکان‌خاطره‌ها به صورت رسمی در زمره میراث فرهنگی^۱ یا آثار تاریخی آن جامعه شهری ثبت نشده باشند، اما به عنوان

جستارهای
فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۱۳۰

۱. برای اطلاع بیشتر از اصطلاحات «میراث فرهنگی» و «آثار باستانی و تاریخی» بنگرید به: فتاحی، سید محسن، میراث فرهنگی بررسی فقهی حقوقی، ۶۶-۲۷؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴.

مکان‌خاطره دارای نقش هویت‌بخشی باشند.

می‌توان مکان‌خاطره‌ها را از جنبه ثبت یا عدم ثبت رسمی توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و یا سازمان جهانی یونسکو به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول: مکان‌خاطره‌هایی که به جهت قدمت زیاد و جایگاه تاریخی و باستانی‌شان توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و یا سازمان جهانی یونسکو در زمره میراث فرهنگی و آثار تاریخی آن شهر و منطقه به ثبت رسمی رسیده‌اند و نقش هویت‌بخشی به‌عنوان یک مکان‌خاطره را نیز دارند، مانند مدارس به‌جامانده از عهد صفوی در مشهد که در این میان، مدرسه عباسقلی‌خان شاملو که در سال ۱۰۷۷ شمسی بنا شده است، نماد مدارس قدیم مشهد به‌شمار می‌آید (سیدی فرخند ۱۳۹۲، ۸۹-۸۴). این بناها افزون بر این که توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به ثبت رسمی رسیده‌اند، از جهت مکان‌خاطره بودن نیز دارای نقش هویت‌بخشی فرهنگی و اجتماعی‌اند.

گروه دوم: مکان‌خاطره‌هایی که نقش هویت‌بخشی دینی و فرهنگی و یا ملی داشته‌اند، ولی از آن‌جایی که قدمت تاریخی طولانی ندارند توسط وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی یا یونسکو به ثبت رسمی نرسیده‌اند. از این گروه می‌توان به «مسجد کرامت» و «حسینیة آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی» به‌عنوان کانون‌های حرکت‌های مذهبی، انقلابی و اجتماعی قبل و پس از انقلاب اسلامی در شهر مشهد اشاره کرد که دارای نقش هویت‌بخشی دینی به‌عنوان مرکز و کانون تعلیمات دینی بوده‌اند و از سوی دیگر نیز نقش هویت‌بخشی اجتماعی به‌عنوان نماد مرکز مبارزه با ستم و بیداد را ایفا می‌کرده‌اند.^۱ البته در بیشتر موارد، مکان‌خاطره‌ها که جنبه خاطره‌انگیزی و هویت‌بخشی به افراد جامعه شهری را دارند، مکان‌هایی هستند که از دوران و زمان‌های دور به یادگار مانده‌اند (بهرامی،

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان‌خاطره‌ها
در شهر

۱۳۱

۱. از پررنگ‌ترین مکان‌خاطره‌ها می‌توان صحرای طبرس و آثار باقی‌مانده از هواپیماهای آمریکایی منهدم‌شده را نام برد که نقش هویت‌بخشی استقلال‌طلبی و مبارزه با استکبار را دارد که متأسفانه به‌دلیل عدم توجه کافی در احیای آن، این نقش آن‌چنان که باید مژمر و مؤثر نبوده است.

قاسمی، ربیعی، ۱۳۹۶، ۹) و به همین جهت، با توجه به جایگاه فرهنگی و تاریخی شان، ازسوی سازمان‌ها و نهادهای متولی امر به‌عنوان میراث فرهنگی و آثار باستانی و تاریخی به‌صورت رسمی ثبت می‌شوند. اما نگاه این نوشتار به این مکان‌ها از جنبه مکان‌خاطره بودن آن‌هاست، نه صرف مکان تاریخی یا میراث فرهنگی بودن.

توجه به این نکته نیز ضروری است که برای صدق مفهوم مکان‌خاطره لازم نیست که آن مکان در بردارنده خاطرات مثبت و خوشحال‌کننده باشد، بلکه مکان‌هایی که در بردارنده خاطرات تلخ یا بیانگر ظلم ظالمان و ستمگران هستند نیز در زمره مکان‌خاطره قرار می‌گیرند. همانند موزه عبرت تهران که محل نگهداری مبارزان در زمان رژیم پهلوی بوده است و انواع شکنجه‌ها در آنجا وجود داشته است - چرا که ملاک نقش هویت‌بخشی است که در این موارد نیز توجه به تحمل رنج‌ها و فشارها توسط ستم‌دیدگان و نیز توجه به ظلم ستمگران و استمرار نداشتن ظلم، خود هویت‌بخش استقامت و ایستادگی برای افراد جامعه شهری است.

با این نگاه حتی آرامستان‌ها که مناظر خاطره‌انگیز و نقشی اصلی در حفظ نام و یاد گذشتگان دارد و همچنین در زندگی روزمره از نقشی اجتماعی برخوردارند و موجبات تقویت تعاملات اجتماعی را در فضایی با بار خاطرات قومی فراهم می‌آورند (کلاتری و برزو، ۱۳۹۴) - به‌ویژه مدفن بزرگان دینی، تاریخی و ادبی - و گلزارهای شهدا که نوعی هویت مکانی برای فرد به‌وجود آورده‌اند و او را به خود وابسته کرده‌اند (آقابابی و ژیان‌پور، ۱۳۹۵) نیز دارای نقش مکان‌خاطره‌ای هستند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۳۲

ادله حفظ مکان‌خاطره‌ها

اهمیت دینی مکان‌خاطره‌ها

در آیات مختلفی از قرآن، از مکان‌های باستانی و قدیمی که به‌نحوی ریشه در تاریخ و فرهنگ و اعتقادات پیشینیان دارند، سخن به‌میان آمده است.^۱ در این زمینه به دو نکته باید توجه نمود:

۱. همانند آیه ﴿أَقْلَمُ سِيزُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا﴾ (محمد/۱۰) و نیز: (نحل/۳۶).

نکته اول: اگرچه در بیشتر موارد لحن آیات بیم‌دهنده بوده‌است و درصددِ بیان لزوم عبرت‌گیری از مکان‌ها و آثار به‌جامانده از اقوام و ملت‌های غیرموحد گذشته‌است، اما می‌توان با الغای خصوصیت از آثار اقوام کافر، و سرایت آن به آثار و مکان‌های مرتبط با اقوام موحد این‌گونه برداشت کرد که همان‌گونه که دقت در آثار و مکان‌های اقوام کافر و مشرک موجب پندگیری و عبرت‌آموزی است، دقت و تأمل در آثار اقوام خداپرست نیز موجب تقویت ریشه‌های فرهنگی و هویتی برای جامعهٔ دینی یکتاپرست خواهد شد.

نکته دوم: شاید بر استدلال به آیات اشکال شود که این آیات دلالتی بر لزوم حفظ مکان‌خاطره‌ها، اعم از مکان‌های مرتبط با اقوام موحد و غیرموحد ندارند و در صورتی که باقی و موجود هستند، تنها به مشاهدهٔ آن‌ها و عبرت‌آموزی توصیه کرده‌است که این مسئله دلالتی بر لزوم حفظ این مکان‌ها ندارد. در جواب این اشکال می‌توان این‌گونه گفت که اگر چه منطوق این آیات - همان‌گونه که اشکال‌کننده اشاره کرد - دلالتی بر لزوم حفظ این مکان‌ها ندارد، اما فهم عرفی از فحوای این آیات مشروع بودن حفظ این مکان‌ها برای بقای آن‌ها در جهت مشاهده و عبرت‌آموزی است، حتی اگر قائل به لزوم آن نشویم.

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان‌خاطره‌ها
در شهر

۱۳۳
مکان‌خاطره‌ها در روایات نیز انعکاس یافته‌است. از جمله در خطبهٔ امیرالمومنین علیه السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام این‌گونه خطاب می‌کند که با مطالعه در آثار گذشتگان از آن‌ها عبرت گرفته‌اند و خوبی‌ها و بدی‌های آن‌ها را شناخته‌اند و دربارهٔ فرزندش خوبی‌ها را انتخاب نموده و بدی‌ها را از او دور ساخته‌است^۱ (نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱).
کلام امیرالمومنین علیه السلام نیز همانند آیات ذکرشده اگر دلالت صریحی بر لزوم حفظ آثار و مکان‌های گذشتگان نداشته باشد، اما فهم عرفی از فحوای این کلام جواز و مشروعیت این نگهداری و صیانت است، حتی اگر قائل شویم فهم عرفی دلالت بر لزوم حفظ ندارد.

۱. آی بَنِي، إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ، دَفَعْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ، وَسَرْتُ فِي آثَارِهِمْ، حَتَّى عَدْتُ كَأَحْدِيهِمْ، بَلْ كَأَنِّي بِمَا أَتَيْتُ إِلَى مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ. فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِكَ مِنْ كَدْرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ فَاسْتَخْلَصْتُ لَكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ نَخِيلَةً وَ تَوَخَّيْتُ لَكَ جَمِيلَةً وَ صَرَفْتُ عَنْكَ مَجْهُولَةً.

کارکردهای فرهنگی در مکان‌های خاطره‌های شهری

هویت یک جامعه پدیده‌ای فرا تاریخی و ذاتی نیست و در خلأ نیز تشکیل نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای واقعی و ملموس و متأثر از محدودیت‌های زمانی، مکانی و فضایی است (سلیمانیه، طباطبایی بزدی، ۱۴۰۰، ۲۱). به عبارت دیگر، از مولفه‌های مهم ایجاد هویت یک جامعه حافظه تاریخی آن جامعه است؛ حافظه‌ای که از دیرباز در ارتباط با مفهوم شهر، فضا و زمان مورد توجه بوده است (بهرامی، قاسمی، ربیعی، ۱۳۹۶، ۲).

با توجه به نقش بسیار مؤثر مکان‌های خاطره‌ها در ایجاد و تقویت هویت ملی و مذهبی یک جامعه، تلاش در جهت حفظ، آن‌ها از جمله ضروری‌ترین اقدامات جامعه در زمینه حفظ هویت و ارزش‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. نکته قابل ذکر این که توجه به نمادها و هویت ملی تا زمانی پسندیده و مورد تأیید است که از حد اعتدال خارج نشود و جنبه ملی‌پرستی افراطی و ناسیونالیستی به خود نگیرد و به‌عنوان یک مانع در مقابل رشد و گسترش باورها و اعتقادات مذهبی افراد جامعه پدیدار نشود.

کارکردهای اقتصادی مکان‌های خاطره‌ها

بدون شک حفظ و مرمت و بازسازی مکان‌های خاطره‌ها - مخصوصاً آن دسته از مکان‌های خاطره‌ها که در زمره مکان‌های باستانی و تاریخی و میراث فرهنگی قرار می‌گیرند - و جلوگیری از تخریب و آسیب دیدن آن‌ها دارای ارزشی مالی و اقتصادی است و نقش به‌سزایی در رشد اقتصاد جامعه و به‌طور خاص، اقتصاد شهری خواهد داشت.

همان‌گونه که ذکر شد اکثر مکان‌های خاطره‌های شهری مکان‌هایی هستند با قدمتی طولانی که از زمان‌های گذشته باقی مانده‌اند و به‌تبع آن، در زمره مکان‌های تاریخی و میراث فرهنگی قرار گرفته‌اند که این خود باعث جذب توریست و گردشگر و محققان و پژوهشگران مطالعات فرهنگی و تاریخی از نقاط مختلف جهان می‌شود. از این رو نقش شگفت‌انگیز این مکان‌ها در جذب سرمایه اقتصادی برای جامعه شهری حقیقتی انکارناپذیر است.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۳۴

براساس برآوردهای سازمان جهانی و جهانگردی، درآمد توریسم در سال ۱۹۹۰ میلادی با دویست و چهل و نه میلیارد و سیصد میلیون دلار، در حدود هشت تا ده درصد تولید ناخالص ملی جهان بوده است که به این ترتیب بیشترین درآمد و حجم مبادله را بعد از نفت و فرآورده‌های نفتی و صنایع تولیدی به خود اختصاص داده است و از نظر اقتصادی و کسب درآمدهای ارزی در میان کشورهای مختلف جهان اهمیت و جایگاه خاصی یافته است. به همین دلیل در سال‌های اخیر شاهد رقابت فشرده‌ای در زمینه جذب توریست در میان تمامی کشورهای جهان بوده‌ایم (فتاحی، ۱۳۹۴، ۹۲).

تأمین مصالح عامه (اجتماعی)

واژه «مصلحت» در ضمیر انسان‌ها معنایی روشن و بدون ابهام دارد و از همین رو مانند بسیاری از واژگان دیگر در حوزه تعریف با ابهام مواجه شده است و زبان‌شناسان را بر این وا داشته است تا این مفهوم را در ترادف و همراهی با واژگان مشابه آن یا در تقابل با مفاهیم متضاد آن تعریف و تبیین کنند (عزیزی و فلاح‌زاده، ۱۴۰۰).

برخی از زبان‌شناسان با تعابیر نفع، سزاوار، شایستگی و مقابل مفسده از آن یاد کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل عنوان مصلحت).

۱۳۵ در تعریف «مصلحت» از دیدگاه فقیهان و اصولیان عباراتی به این نحو بیان شده است: مصلحت عبارت است از دفع ضرر و یا به دست آوردن منفعت دینی یا دنیوی (قمی، ۱۴۳۰ق، ۲۰۸). برخی دیگر نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که در مصلحت دو جنبه وجود دارد: جنبه ایجابی که عبارت باشد از جلب منفعت، و جنبه سلبی که عبارت است از دفع مفسده. در برخی از اوقات تنها جنبه ایجابی مدنظر قرار می‌گیرد و عنوان مصلحت بار می‌شود که در این صورت درحقیقت جنبه سلبی یا همان دفع مفسده نیز در نیت است، چراکه به عقیده برخی از علما دفع مفسده مقدم بر جلب منفعت است. از این رو هر کجا جلب منفعت باشد، دفع مفسده نیز لحاظ شده است (حسینی گرگانی، ۱۳۹۳، ۱۱۰).

همچنین مصلحت را می‌توان به دو نوع «فردی» و «اجتماعی» تقسیم کرد (عزیزی و فلاح‌زاده، ۱۴۰۰). در مصلحت فردی، این تک‌تک افراد هستند که منتفع می‌شوند یا

ضرر از آن‌ها دفع می‌شود و اگر مثلاً از بین صد نفر مسئله‌ای به مصلحت نود و نه نفر و به ضرر یک نفر باشد، متعلق مصلحت نسبت به آن شخص قرار نگرفته و مصلحت فردی در حق او جاری نشده است.

اما در مصلحت اجتماعی یا عامه مصلحت به عموم افراد جامعه به عنوان یک کل نه تک تک افراد تعلق می‌گیرد. از این رو در مثال سابق اگرچه نسبت به آن یک نفر که متعلق مصلحت قرار نگرفته است مصلحت صدق نمی‌کند، اما نسبت به عامه مردم و حتی همان یک نفر - از آن جا که او نیز از افراد همین مجموعه است - مصلحت وجود دارد و جامعه و به تبع آن عامه افراد از آن منتفع می‌شوند یا ضرر از آن‌ها دفع می‌شود. به عبارت کوتاه، عرصه به کار بستن مصالح اجتماعی، امور اجرایی و اجتماعی یا اموری هستند که در زمینه ارتباط و روابط افراد جامعه با یکدیگر و اجتماع‌اند. از این رو برخی در بیان فرق بین دو مفهوم «مصلحت فردی» و «مصلحت اجتماعی» به این نکته اشاره کرده‌اند که در مفهوم اول، تراحم میان مصالح متعدد یا بین مصلحت و مفسده تصور نمی‌شود، چرا که یک امر یا به مصلحت فرد است یا خیر، در حالی که در مفهوم دوم آنچه متصور است تراحم مصالح با یکدیگر است که در این صورت تشخیص مصلحتِ اهم از میان مصالح مختلف ضروری است. تراحم بین مصالح فرد و اجتماع تصور می‌شود و بسیار رخ می‌دهد که دیدگاه شرع همیشه تقدم مصالح نوعی و اجتماعی بر مصالح فردی و شخصی باشد (عزیزی و فلاح‌زاده، ۱۴۰۰).

آنچه از روایات فهمیده می‌شود، لزوم حرکت به سمت تحقق مصلحت اجتماعی است. در کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند امر به معروف را واجب نمود، به جهت این که در بردارنده مصلحت برای عموم افراد جامعه است^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲). در فرازی از خطبه فدکیه، حضرت زهرا علیها السلام^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۷) نیز با اشاره به این حکم الهی، مصلحت داشتن امر به معروف برای عموم افراد جامعه را به عنوان دلیل وجوب آن ذکر می‌کنند و این خود نشان‌دهنده وجوب مراعات کردن مصلحت عامه افراد جامعه است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۸، ۳۹۷).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۳۶

۱. فرض الله الأمر بالمعروف مصلحة للعوام.

۲. فرض الله الأمر بالمعروف مصلحة للعامة.

با توجه به نکات ذکر شده، بی‌شک توجه به ضوابط و ارزش‌های خاص اخلاقی و مذهبی یک جامعه دینی در جذب توریست و گردشگر خارجی جزو ملزومات و ضروریات این مسئله است، چراکه هدف از جذب گردشگران و پژوهشگران و بازدید از مکان‌خاطره‌ها در جهت آشنایی آن‌ها با فرهنگ و هویت ملی و مذهبی جامعه مقصد است و از سوی دیگر نیز جذب سرمایه اقتصادی برای جامعه‌ای دینی مذهبی. از این رو نمی‌توان با تمسک به لزوم جذب گردشگر خارجی، اصول اخلاقی و دینی جامعه را نادیده گرفت و به هر نحوی سعی در جذب گردشگر و بازدیدکننده خارجی داشت.

در حقیقت باید توجه داشت اگر جلب منفعت دنیوی موجب مخالفت با حکم شرعی شود، در این صورت از نگاه فقیهان عنوان مصلحت بر آن صدق نمی‌کند، بلکه ملاک مصلحت اعتبار آن از جانب شارع یا حکم عقل به انطباق و سازگاری با معیارها و مقاصد شرع است (قمی، ۱۴۳۰ق، ۳۰۸). در حقیقت، مصلحت در جامعه دینی آن چیزی است که تأمین‌کننده دنیا و آخرت افراد جامعه دینی باشد که این خود در پرتو رعایت احکام شرعی محقق خواهد شد، چراکه حلال و حرام‌های شرعی و باید و نبایدهای دین برای تأمین مصالح دنیوی و اخروی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۴۶۶).

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان خاطره‌ها
در شهر

۱۳۷ در بحث از مکان‌خاطره‌ها و نگاه فرهنگی و اقتصادی با توجه به نقش مؤثر و پررنگ حفظ مکان‌خاطره‌ها در ایجاد و تثبیت هویت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی افراد جامعه شهری از یک‌سو و ایجاد بستر جذب و افزایش سرمایه اقتصادی و مالی از سوی دیگر، بی‌شک وجود و بقای این مکان‌ها به صلاح جامعه شهری و به تعبیری دیگر، دارای مصلحت برای عامه افراد آن جامعه است و براساس روایات و تأیید همه عقلا سعی در برخورداری جامعه از مصلحت و منفعت، امری پسندیده و مشروع و عقلایی است. این تا جایی است که برخی با در نظر گرفتن مصالح مهم و مؤثر ذکر شده به این نکته اشاره کرده‌اند که شاید بتوان حکم به وجوب حفظ مکان‌خاطره‌ها نیز نمود (فتاحی، ۱۳۹۴، ۱۳۸)، چراکه بنابر آیه ۶۰ سوره انفال^۱ خداوند

۱. ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾.

مسلمانان را امر و تشویق به تجهیز و آماده‌سازی خود برای مقابله با دشمن می‌نماید تا مصلحت اجتماعی در حق جامعه دینی، که همان حفظ و صیانت از جامعه است، محقق شود. درحقیقت همان‌گونه که اشاره شد، مصلحت اجتماعی آن دسته از مصالحی است که در قالب و حوزه اجتماعی مطرح می‌شود و مصادیقی چون حفظ جامعه و جلوگیری از تسلط بیگانگان و نیز رشد سطح علمی و فرهنگی جامعه زیرمجموعه آن است (عزیزی و فلاح‌زاده، ۱۴۰۰؛ نقل در گرجی، ۱۳۷۵، ۷۸).

یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتقای سطح علمی و فرهنگی و حتی دینی شهروندان، استفاده در مسیر ترویج هویت دینی و ملی جامعه شهری و تلاش برای مقابله با رسوخ فرهنگ‌های ضد دینی و اجتماعی و نیز حفظ و تقویت مکان‌خاطره‌ها است. از سوی دیگر نیز یکی از عوامل مهم رشد یک جامعه مسائل اقتصادی است که در این زمینه نیز - با رعایت شرایط و ضوابط شرعی، اخلاقی و فرهنگی - مکان‌خاطره‌ها می‌توانند یکی از مراکز مهم جذب سرمایه اقتصادی داخلی و خارجی قرار گیرند.

تأمین حقوق شهروندی

از نگاه زبان‌شناسان واژه «حق»^۱ دارای معانی مختلفی چون راست، درست، عدل، انصاف، نصیب، بهره، عادلانه و سزا بوده و جمع آن «حقوق» است (معین، ۱۳۸۱، ۵۹۶). در اصطلاح^۲ «حق» به معنی امتیاز است که امتیاز خود عبارت است از تبلور عنصر یا عناصری از توانایی بهره‌گیری فرد یا جمعیتی از آن چیزی که سزاوار آن است (رمضانی، ۱۳۹۰؛ نقل در فرهیخته، ۱۳۷۷).

برخی دیگر نیز تعریف مفصل‌تری از معنای «حق» در اصطلاح نموده‌اند که حق قدرت یا امتیازی است که فرد یا افرادی (جمع) سزاوار برخورداری از آن باشند مانند حق حیات. به‌ویژه این که آن قدرت یا امتیاز به موجب قانون (حق قانونی) یا عرف مقرر شده باشد. روشن است که افراد هر اجتماع با یکدیگر مناسبات و

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۳۸

1. Right

۲. مراد اصطلاح سیاسی است که متناسب با مسائل شهروندی است. جهت اطلاع از معنای اصطلاحی فلسفی، حقوقی، فقهی اخلاقی و قرآنی بنگرید به: (رمضانی، ۱۳۹۰).

روابطی دارند. از رهگذر این مناسبات، آنان مجموعه‌ای از امتیازات و اختیارات مانند اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه‌مزایا و سلطه‌های نشست گرفته از قانون را به دست می‌آورند که مجموعه آن را حقوق می‌نامند (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳).
قدر جامع هر دو تعریف اصطلاحی ذکر شده «امتیاز» است که بر این اساس می‌توان گفت حق در اصطلاح به معنای امتیازی است برای فرد در جامعه نسبت به شیئی که سزاوار برخورداری از آن است (رمضانی، ۱۳۹۰).

استیفای حق «هویت شهری»

«هویت»^۱ را به هر آنچه موجب شناسایی شخص باشد تعریف کرده‌اند (معین، ۱۳۸۱، ۲۱۲۵). در اصطلاح نیز منظور از «هویت شهری» تأثیر شهر و عناصر و اجزای آن به عنوان مجموعه‌ای از عناصر خارجی بر فرد است که منجر به درک و تجربه فضایی فرد از شهر می‌شود و نهایتاً این تجربه و درک فضایی باعث شکل‌گیری تجربه‌های شخصی و جمعی و خاطرات شهروندی می‌شود. به بیان کوتاه‌تر، «هویت شهری» عبارت است از فرایند ایجاد همین احساس میان فرد به عنوان شهروند و شهر و عناصر آن به عنوان عنصر خارجی (زینلی قطب آبادی، ۱۳۹۴).

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان خاطره‌ها
در شهر

۱۳۹ از جمله حقوق شهروندی در یک جامعه شهری آشنایی با هویت اجتماعی و شهری و بهره‌مندی از آن است. از جمله عوامل بقای این هویت مکان خاطره‌ها هستند، چرا که این مکان‌ها دارای هویت‌اند و در ساخت هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک شهر نقش و سهم ویژه‌ای دارند (سلیمانیه و طباطبایی یزدی، ۱۴۰۰، ۲۱) و این هویت بخشی موجب انسجام و بقای جامعه شهری است.

این واقعیت را نمی‌توان انکار نمود که بخش بزرگی از هویت و زندگی ما جمعی و متصل به دیگران است و علاوه بر حافظه فردی، خود یک حافظه جمعی نیز داریم که در بردارنده خاطرات، عقاید، ارزش‌ها و باورهای مشترک با دیگرانی است که حتی شاید آن‌ها را نشناسیم (زینلی قطب آبادی، ۱۳۹۴). این هویت در جریان تعامل افراد و

1. Identity

گروه‌های اجتماعی به‌طور مستمر تولید و باز تولید می‌شود که همان هویت اجتماعی است (غراب، ۱۳۹۰، ۱۰).

از سوی دیگر، هویت شهری جهت حفظ ساختار منسجم و یک‌پارچه زندگی شهری از ضروریات جامعه شهری است. مراد از هویت شهری نیز فرایند ایجاد ارتباط میان فرد به‌عنوان شهروند و شهر و عناصر آن به‌عنوان عنصر خارجی است که از مؤلفه‌های سازنده هویت شهری، پیوند میان گذشته با آینده است و این پیوند نه تنها باعث حفظ گذشته می‌شود، بلکه عامل مهمی در ارتقای کیفیت شهر در آینده به‌شمار می‌رود (زینلی قطب آبادی، ۱۳۹۴). با توجه به توضیحات فوق روشن می‌شود که مکان‌خاطره‌ها نقش بسیار مؤثر و کلیدی در ایجاد و تقویت هویت اجتماعی و شهری دارند، چرا که در بردارنده خاطرات مشترک بین افراد جامعه شهری هستند و نیز از مهم‌ترین پل‌های ارتباطی جهت پیوند گذشته با آینده به‌شمار می‌روند.

به عبارت دیگر، این فضاها با ایجاد واقعه‌ای خاص یا پدید آمدن تجربه شهری و تحت تأثیر دوره‌ای زمانی هویت یافته‌اند و علاوه بر حیات عادی و اجتماعی خود در معماری و شهرسازی، در ذهن ساکنان آن شهر نقش می‌بندند و خاطراتی منحصر به فرد در دل و ذهن ساکنان قدیمی و جدید شهر باقی می‌گذارند که حتی با گذشت سال‌ها از آن واقعه، این خاطرات از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و موجب تقویت هویت و خاطرات جمعی در شهر می‌شود (حیبی و سید برنجی، ۱۳۹۵). از این رو مکان‌خاطره‌ها یکی از مولفه‌های تأمین‌کننده حق شهروندان در آشنایی و هویت‌پذیری در زمینه هویت اجتماعی و شهری هستند.

نفی ضرر از جامعه (استناد به قاعده لاضرر و لاضرار)

قاعده فقهی «لاضرر» از جمله ادله مهم و قابل استناد در ابواب فقهی گوناگون است و مورد استفاده وسیع فقیهان قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۳).^۱ نقش قاعده «لاضرر» در زمینه حفظ مکان‌خاطره‌های شهری نیازمند تبیین معنای هیئت ترکیبی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۴۰

۱. برای اطلاع از مستند و مدارک قاعده بنگرید به: (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۱؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۲۱۱؛ محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۳۱).

جمله «لا ضرر و لا ضرار» است. فقیهان و اصولیان نظریه‌های مختلف و متعددی در این زمینه بیان کرده‌اند.

۱) نفی حکم ضرری: بنابراین تبیین که مشهورترین تبیین است، مراد نفی حکم ضرری در عالم جعل و تشریح است یعنی شارع چنین حکمی را در شریعت جعل نکرده‌است. حال خواه خود حکم برای مکلف ضرری باشد مانند وضوی ضرری، یا این که حکم مستلزم ضرر به غیر باشد مانند حکم به لزوم معامله غبنی که در این صورت مستلزم ضرر بر مغبون خواهد بود (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۴۶۰؛ انصاری، رسائل فقهیه، ۱۴۱۴ق، ۱۱۶، بجنوردی ۱۴۱۹ق، ۲۱۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ۵۰۱).

۲) نفی حکم ضرری به لسان نفی موضوع: بنابراین تبیین، حکم ضرری به لسان نفی موضوع نفی شده‌است^۱ (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ۳۸۱).

۳) نفی مولوی تحریمی از ضرر رساندن: براساس این تبیین «لا» برای نفی تحریمی مولوی بوده و شارع از ضرررسانی به خود و دیگران نفی می‌کند (شیخ الشریعه اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ۲۴).

۴) نفی حکومتی و سلطانی از ضرر رساندن: براساس این تبیین «لا» در فقره لاضرار، برای نفی حکومتی و سلطانی است و پیامبر ﷺ از جنبه حاکم و ولی جامعه بودن در همه ادوار و زمان‌ها، از ضرر رساندن به یکدیگر نفی کرده‌است، نه از جنبه شارع بودن (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ۱۱۳؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۳ق، ۵۲۳).

۵) برخی دیگر از عالمان نگاه دقیق‌تری به مفاد هیأت ترکیبی قاعده داشته‌اند و با توجه به دو فقره «لاضرر» و «لاضرار» به تبیین مفاد هر یک از دو قسم پرداخته‌اند. بنابراین دیدگاه مفاد فقره «لاضرر» همان نظر مشهور است، یعنی حکم ضرری در شریعت جعل نشده‌است، به این معنا که حکمی که سبب ضرر باشد تشریح نشده‌است (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۳، ۱۴۹). به عبارت دیگر، فقره «لاضرر» نافی ضرر نشئت گرفته

۱. تفاوت بین تبیین اول و دوم در این است که در تبیین اول حکم مستقیماً برداشته می‌شود، ولی در تبیین دوم آنچه برداشته شده‌است، متعلق حکم و به عبارت دیگر، خود موضوع است، هر چند به انگیزه نفی حکم باشد. ثمره بحث در آن جا معلوم می‌شود که موضوع ضرری نباشد، ولی حکم ضرری باشد که در این صورت بنا بر تبیین دوم، قاعده لاضرر شامل مورد نیست، زیرا خود موضوع باعث ضرر نیست تا حکمش برداشته شود. ولی براساس تبیین اول اگر خود حکم صادرشده از ناحیه شارع موجب ضرر باشد، آن حکم برداشته می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ۵۰۰).

از حکم شرعی است (حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۸۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۸۹). و اما مفاد فقره «الاضرار» نهی از ضرر رساندن به دیگران است که این خود مقتضی دو امر است: امر اول تحریم مولوی در ضرررسانی به دیگران و امر دوم تشریح استفاده و به کارگیری ابزارهای حکومتی و اجرایی توسط حاکم شرعی در جهت جلوگیری از ضرررسانی به دیگران. زیرا صرف تحریم ضرررسانی تا زمانی که بازوی اجرایی و عامل بازدارنده به کمک آن نیاید، نمی تواند مانع از ایجاد ضرر توسط افراد نسبت به دیگران باشد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۰، ۲۱۱).

به عبارت دیگر، آن چه به حاکم شرع اجازه می دهد با استفاده از ابزارهای حکومتی و اجرایی جلوی سوءاستفاده از حق (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۴۱) و ضرررسانی را بگیرد - حتی با منع کردن ضررزننده از حق خودش، چرا که فرض این است که استیفای حق توسط ضررزننده مستلزم ضرررسانی به غیر است - فقره «الاضرار» است (حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۸۶، ۵۸۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۸۹، ۴۹۰).

باید توجه داشت ایجاد و به کارگیری سازوکار جلوگیری از ضرررسانی مختص حاکم و نهادهای متولی حاکمیتی است، نه همه افراد جامعه (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۵۱). به تعبیر دیگر، نفی «اضرار» و جلوگیری از ضرررسانی در بسیاری از موارد، حکمی ولایی و سلطانی است، نه به این معنا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جنبه ولی و حاکم بودن - و نه شارع و مقنن بودن - نهی از ضرر رساندن کرده اند، بلکه نهی و جلوگیری از ضرررسانی اگرچه حکمی الهی و شرعی است ولی برای جلوگیری از ایجاد هر چه برعهده نهاد حاکمیتی و حاکم قرار داده شده است نه عموم افراد (حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۸۸).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۴۲

نظر مختار در مسئله و نحوه استدلال به قاعده

پیش از بیان نظر مختار و نحوه استدلال به قاعده، ذکر چند نکته ضروری است. **نکته اول:** بنابر فهم و ارتکاز عرفی، ضرر عبارت است از فقدان، نداشتن یا از دست دادن هر آنچه از مواهب حیات و زندگی می یابیم و از آن منتفع می شویم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۵۵). به عبارت دیگر، محروم شدن انسان از نفع مسلم و قطعی از دید

عرف ضرر محسوب می‌شود (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰).

اگر در صدق ضرر بر عدم نفع اشکال شود، جای هیچ شک و تردیدی نیست که عرف سلب حق را از مصادیق ضرر اعتبار می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۵۱؛ حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۲۲).

همان‌گونه که در گذشته اشاره شد، از جمله حقوق شهروندی حق آشنایی و بهره‌مندی از هویت شهری و اجتماعی است که بقای مکان‌خاطره‌ها از مهم‌ترین عوامل تحقق این مسئله هستند. از این رو با از بین رفتن این مکان‌ها به واسطه فرسودگی و عدم مراقب از آن‌ها یا تخریب توسط دیگران، این حق از شهروندان سلب می‌شود و آنان متحمل ضرر خواهند شد. به عبارت دیگر، هر آنچه مانع استیفای این حق برای شهروندان شود از مصادیق ضرر خواهد بود.

نکته دوم: بنابر نظر صحیح، قاعده «لاضرر» تنها شامل ضررهای حقیقی مانند نقص عضو یا نقص در مال نمی‌شود، بلکه ضررهای اعتباری^۱ نیز تحت شمول این قاعده قرار می‌گیرند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۸۹-۴۸۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۸۵-۵۸۱).^۲ از این رو حتی اگر فقدان هویت شهری و اجتماعی را ضرر حقیقی ندانیم، ولی با توجه به پیدایش جوامع شهری و فرهنگ شهرنشینی و نیاز شهرنشینان در جوامع شهری به این هویت، فقدان آن مصداق ضرر اعتباری برای شهروندان خواهد بود. ۱۴۳

نکته سوم: نکته بسیار مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا قاعده «لاضرر» تنها در مقام رفع حکم است یا توانایی جعل حکم را نیز دارد؟ به تعبیر دیگر، آیا این قاعده فقط نقش بازدارندگی دارد یا می‌تواند نقش سازنده نیز ایفا کند؟ بنابر نظر صحیح، قاعده «لاضرر» همان‌طور که نافی حکم ضرری است، در صورت لزوم، توانایی تجویز جعل حکم^۳ را نیز دارد تا جلوی ضرر گرفته شود (حسینی

۱. مراد از ضرر عرفی، ضرری است که در طول ارتکاز حق عقلایی است مانند محروم شدن فرد از حقوق عرفی (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۸۵؛ حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۵۸۱).

۲. ظاهر کلام شهید صدر در ابتدا عدم شمول قاعده «لاضرر» نسبت به ضررهای ارتکازی جدید به طور مطلق است، اما در انتها با بیان دو نکته و ارائه راه‌حل مشکل را برطرف می‌کند و ضررهای ارتکازی حادث نیز تحت شمول قاعده قرار می‌گیرند. بنگرید به (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق؛ حسینی حائری، ۱۴۲۶ق).

۳. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مراد حکم ولایی است یعنی حکمی که به حاکم و نهاد حاکمیتی تفویض شده است نه عامه افراد.

سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۲۹۳-۲۹۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴۹۵-۴۹۱؛ حسینی حائری، ۱۴۲۶ق، ۶۰۰-

۵۹۳). برخی نیز به این مسئله این چنین تصریح کرده‌اند:

«نمی‌توان باور کرد که دایره قاعده لا ضرر، محدود به رفع احکام و افعال خاص وجودی باشد و نسبت به مواردی که خلأ قانونی موجب ورود زیان و خسارت می‌گردد نقشی ایفا نکند. با این توجیه که چنانچه عدم جعل حکم از ناحیه شارع موجب ضرر بر بندگان شود، ورود ضرر و زیان منتسب به شارع نخواهد بود تا «لاضرر» آن را مرتفع سازد، چراکه محیط تشریح و قانون گذاری به جمیع شئون، محیط حکومت شرع مقدس است و همان طور که جعل قانون ممکن است برای فرد یا جامعه زیان داشته باشد، سکوت و عدم جعل نیز چه بسیار زیان و خسران به بار آورد» (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۱۶۰).

نظر مختار در زمینه کارکرد قاعده «لاضرر» در لزوم حفظ مکان خاطره در شهر

با توجه به این که وجود و بقای مکان خاطره‌ها در بردارنده نفع و مصلحت مادی و معنوی برای جامعه شهری هستند و از طرف دیگر، حق جامعه شهری بر خورداری از این مکان‌های هویت بخش است، در صورتی که مورد بی توجهی و غفلت قرار گیرند، قطعاً در گذر ایام دچار فرسودگی می‌شود و از بین خواهند رفت یا توسط افراد دیگر تخریب خواهند شد که در هر دو صورت جامعه شهری متحمل ضرر خواهد شد. از این رو با تمسک به قاعده «لاضرر» می‌توان این چنین نتیجه گرفت که:

عدم لزوم حفظ و مراقبت از مکان خاطره‌ها در شهر مستلزم دو امر ذیل و یا حداقل یکی از دو امر خواهد بود:

۱) عدم بقای مکان خاطره‌ها مساوی است با ازدست دادن نفع اجتماعی و مادی که ازدست دادن یکی از عوامل مهم تأمین مصلحت برای جامعه شهری و افراد آن است.

۲) عدم بقای مکان خاطره‌ها مساوی است با ازدست دادن یکی از مهم ترین عوامل ایجاد و تقویت هویت شهری و اجتماعی و در نتیجه متضرر شدن جامعه شهری و شهروندان.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶

بهار ۱۴۰۱

۱۴۴

وظیفه حاکم و دستگاه‌های حاکمیتی و نهادهای متولی حرکت برطبق مصلحت جامعه شهری و عموم افراد آن و نیز تلاش در جهت کسب هرچه بیشتر نفع برای آنان است. اما تصمیمات لازم برای دوری از متضرر شدن شهر و شهروندان اتخاذ نشده است و حرکتی در جهت حفظ و بقای مکان‌خاطره‌ها صورت پذیرفته است، از این رو مصلحت جامعه محقق نشده است. از طرفی تحقق ضرر برای جامعه شهری و ساکنان آن است و با توجه به مفاد فقره «لاضرر» در قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار» حکم ضرری در شریعت جعل نشده است، ولی لزوم توجه به مکان‌خاطره‌ها و نیز حفظ آن‌ها از فرسودگی و آسیب، حکمی مولوی است که برای حاکم و دستگاه‌های حاکمیتی جعل شده است.

بنابر فقره «لاضرر» نهادهای حکومتی و مسئول وظیفه دارند در جهت جلوگیری از ضرر رساندن و تخریب عمدی این مکان‌ها توسط دیگران قدم برداند و با وضع قوانین حمایتی و بازدارنده، مانع تخریب این مکان‌ها شوند. این حکمی است ولایی که توسط شارع برای حاکم جعل شده است.

بررسی ادله فقهی
حفظ مکان‌خاطره‌ها
در شهر

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی که در زمینه جایگاه مکان‌خاطره‌ها در ایجاد و رشد هویتی و اقتصادی جوامع شهری بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که قطعاً وجود و بقای این مکان‌ها به مصلحت و نفع جامعه شهری است. افزون بر این، حق شهروندان برخوردار از مکان‌خاطره‌ها به عنوان عامل مؤثر و نقش‌آفرین در ایجاد و تثبیت فرهنگ و هویت شهری و اجتماعی و انسجام هرچه بیشتر جامعه است و سلب این حق و از بین رفتن آن، بی‌شک از مصداق ضرر است. از آنجایی که حفظ مصالح عامه افراد جامعه و جلوگیری از متضرر شدن آنان در زندگی شهری و اجتماعی، از وظایف حاکم و دستگاه حکومتی است، از این رو تلاش در جهت حفظ این مکان‌ها امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین با توجه به مفاد قاعده «لاضرر و لاضرار» از طرفی احکام ضرری در شریعت جعل نشده‌اند و عدم جعل لزوم و وجوب حفظ و مراقبت از مکان‌خاطره‌ها، آرام‌آرام سبب بی‌توجهی به آن‌ها و در نتیجه در

معرض تخریب قرار گرفتن و از بین رفتن مکان‌خاطره‌ها می‌شود که این از بین رفتن و آسیب دیدن مساوی است با ازدست دادن نفع عمومی و نیز سلب حق برخورداری از هویت شهری و این فقدان و سلب یعنی متضرر شدن شهروندان جامعه شهری. از سوی دیگر، با توجه به مفاد قاعده «لاضرر» آسیب رساندن عمدی به آن‌ها از مصادیق ضرررسانی و حرام شرعی است. بنابر مفاد فقرة «لاضرار» دستگاه حاکمیتی و نهادهای مسئول عهده‌دار وظیفه جعل قوانین و مجازات و به کارگیری ابزارهای اجرایی و حکومتی در جهت جلوگیری از ضرررسانی و تخریب و از بین بردن آن‌ها توسط افراد جامعه شهری هستند.

منابع

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

۱. آقابابایی، احسان؛ ژیان‌پور، مهدی. (۱۳۹۵). گلزار شهدا به مثابه مکان-خاطره. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۷ (۳)، ۶۸-۵۳.
۲. آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو. (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. چاپ ششم. تهران: نشر چاپار.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۴ق). رسائل فقهیه. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۸ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۵. باقری، مهسا، گلرخ، شمین. (۱۳۹۷). خلق مکان خاطره یا بازسازی تاریخ: فهم تجربه‌ی جوانان اصفهان از بازسازی میدان امام علی علیه السلام. پنجمین کنفرانس ملی دستاوردهای اخیر در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی. بازیابی شده از: [./https://civilica.com/doc/912689](https://civilica.com/doc/912689)
۶. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۷. بهرامی، زهرا؛ قاسمی، وحید؛ ربیعی، کامران. (۱۳۹۶). هویت و فضای شهری: مکان خاطره و بازتولید هویت جمعی در اصفهان. هفتمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری، اصفهان) بازیابی شده از: <https://civilica.com/doc/701636>
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه. قم: مرکز نشر اسراء.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۱۴۶

۹. حبیبی، سید محسن؛ سید برنجی، سیده کهربا. (۱۳۹۵). رابطه بین خاطر دانگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۱۷)، ۳۲۷-۳۴۲.
۱۰. حسینی حائری، سید کاظم. (۱۴۲۶ق). مباحث الأصول (تقریرات درس شهید صدر). قم: دارالبشیر.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۸ق). من فقه الزهراء علیها السلام. قم: رشید.
۱۲. حسینی گرگانی، سید میر تقی. (۱۳۹۳). نبراس الأذهان فی أصول الفقه المقارن. قم: مرکز المصطفی العالمی للترجمه والنشر.
۱۳. حسینی سیستانی، سید محمدرضا. (۱۴۱۴ق). لا ضرر و لا ضرار (تقریرات درس آیت الله سیستانی). قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۱۴. خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه لغت نامه دهخدا. بازیابی شده از: <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa>.
۱۶. رمضان، علی. (۱۳۹۰). معنای «حق» در نگاه اندیشمندان اسلامی. فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱(۲)، ۱۱۱-۸۹.
۱۷. زینلی قطب آبادی، امینه. (۱۳۹۴). شناسایی نقش مولفه های طبیعی در ایجاد هویت شهری (نمونه موردی: شهر بابک). دوفصلنامه پژوهش های منظر شهر، ۲(۴)، ۷-۱۸.
۱۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۳ق). تهذیب الأصول (تقریرات درس اصول سید روح الله موسوی خمینی). ۳. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۹. سکوتی، رضا؛ شمالی، نگار. (۱۳۹۰). جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران. نشریه فقه و حقوق اسلامی، ۱(۲-۱)، ۷۹-۹۸.
۲۰. سلیمانیه، مهدی؛ طباطبایی یزدی، لیلا. (۱۴۰۰). پرنده و آتش شناخت اجتماعی. (انتشارات امام) (مشهد). اصفهان: آرما.
۲۱. سیدی فرخند، سید مهدی. (۱۳۹۲). نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد.
۲۲. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد. (۱۴۱۰ق). قاعدة لا ضرر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۲۳. عزیزی، حسین؛ فلاح زاده، علی محمد. (۱۴۰۰). مصلحت اجتماعی در فقه امامیه؛ از

- مفهوم ناصابطه. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۰ (۳۲)، ۱۰۴-۸۵
۲۴. عمید، حسن. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تدوین توسط فرهاد قربان زاده. تهران: اشجع.
۲۵. غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۰). هویت شهری. تهران: راه‌دان، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۲۶. فتاحی، سیدمحسن. (۱۳۹۴). میراث فرهنگی بررسی فقهی حقوقی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۷. قمی، ابولقاسم. (۱۴۳۰ق). القوانین المحکمة فی الأصول. قم: إحياء الكتب الإسلامية.
۲۸. کلانتری، عبدالحسین؛ برزو، سپیده. (۱۳۹۴). خاطرة جمعی در شهر تهران (تحلیل فضای گورستان: هتراتوپیا و مکان خاطره). نخستین همایش ملی جامعه، معماری و شهر، بازیابی شده از: <https://civilica.com/doc/590498>
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. تدوین توسط سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی. بیروت: دار إحياء التراث.
۳۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۱ش). قواعد فقه: بخش مدنی (مالکیت/مسئولیت). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۱. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین. تهران: آدنا.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). القواعد الفقهية. قم: انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۳۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۱۵ق). بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر. بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۴. وحدت، سلمان؛ کریمی مشاور، مهرداد؛ بخشی بالکانلو، عادل. ۱۳۹۶. تحلیل فضایی مکانی عوامل مؤثر در ایجاد معنای مکان از دیدگاه کاربران و شهرسازان نمونه موردی: شهر ارومیه. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، ۷ (۲۶)، ۱۴۳-۱۲۹.
۳۵. هاشمی شاهرودی، سید علی. (۱۴۱۹ق). دراسات فی علم الأصول (تقریرات درس آیت‌الله خویی). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۳۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۳ق). بحوث فی علم الأصول (تقریرات درس شهید صدر). قم: مؤسسه فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۱۴۸

References

• *The Holy Qur'an*

• *Nahj al-Balāghah*.

1. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1993/1414. *Rasā'il al-Fiqhīyah*. Qom: al-Mu'tamar al-'Ālamī Bimunasabat al-Dhikrā al-Mi'awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A'zam al-Anṣārī.
2. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 2007/1428. *Farā'id al-Uṣūl (al-Rasā'il)*. 9th. Qum: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
3. Āqā Bābāyī, Iḥsān; Zhīyān Pūr, Mahdī. 2016/1395. *Gulzār-i Shuhadā bih Mathābih-yi Makān-i Khātirih*. Faṣḥnāmīh-yi Muṭālī'āt-i Millī, 17 (3), 53-68.
4. Āqā Bakhshī, 'Alī; Afshārī Rād, Mīnū. 2004/1383. *Farhang-i 'Ulūm-i Sīyāsī*. 6th. Tehran: Nashr Chāpār.
5. Bāqirī, Mahsā; Gulrukh, Shamīn. 2018/1397. *Khalq-i Makān-i Khātirih Yā Bā; zszāzī-yi Tārīkh: Fahm-i Tajrubī-yi Jawānān-i Isfahān az Bāzszāzī-yi Meydān-i Imām 'Alī (a.s)*. Tehran: <https://civilica.com/doc/912689>.
6. al-Mūsawī al-Bujnurdī, al-Sayyid Ḥasan. 1998/1419. *al-Qw'id al-Fiqhīyya*. Qum: al-Hādī.
7. Bahrāmī, Zahrā; Qāsimī, Wahīd; Rabī'ī, Kāmrān. 2017/1396. *Hawīat wa Faḍā-yi Shahrī: Makān-i Khātirih wa Bāz Tawīd-i Hawīyat-i Jam'ī dar Isfahān*. (7th International Conference on Sustainable Development and Urban Development of Isfahan). <https://civilica.com/doc/701636>
8. Jawādī Āmulī, 'Abd Allāh. 2000/1379. *Wilāyat al-Faqīh*. Qom: Nashr-i Isrā'
9. Ḥabībī, Sayyid Muḥsin; Sayyid Birinjī, Sayyidah Kahrubā. 2016/1395. *Rābīth-yi Bayn Khātirih Angīzī wa Mushārikāt-i Ijtīmā'ī dar Bāz Āfarīnī-yi Huwīyat-i Shahrī, case study: Meydān-i Shahrārt-yi Rasht*. Mi'mārī wa Shahr Sāzī Ārmān Shahr Journal, (17), 327-342.
10. al-Ḥusaynī al-Hā'irī, Sayyid Kāzīm. 2005/1426. *Mabāḥith al-Uṣūl, Transcribed notes of Shahīd al-Ṣadr*. Vol. 4. Qom: Dār al-Bashīr.
11. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, al-Sayyid Muḥammad. 2007/1428. *Min Fiqh al-Zahrā (S)*. Qom: Intishārāt Rashīd.
12. al-Ḥusaynī al-Gurgānī, Sayyid Mīr Taqī. 2014/1393. *Nibrās al-Adhhān fī Uṣūl al-Fiqh al-Muqāran*. Qom: Jāmi'at al-Muṣṭafā al-'Ālamīyya.
13. al-Ḥusaynī al-Sīstānī, al-Sayyid Muḥammad Ridā. 1994/1414. *Lā ḍarar wa lā*

ḡirār. Transcribed notes of Ayatollāh al-Sayyid ‘Alī al-Ḥusaynī al-Sīstānī’s (b. 1930) advanced lectures. Qom: the Office of his Eminence.

14. al-Khurāsānī, Muḥammad Kāzim (al-Ākhund al-Khurasānī). 1989/1409. *Kifāyat al-Ūṣūl*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Iḥyā‘ al-Turāth.

15. Dehkhudā, ‘Alī Akbar. 1994/1372. *Lughat Nāmi-yi Dīkhudā*. <https://dehkhoda.ut.ac.ir/fa>

16. Ramaḡānī, ‘Alī. 2011/1390. *Ma‘nāy-i Ḥaqq dar Nigāh-i Andīshmandān-i Islāmī*. Faṣḡnāmīh-yi Muṡālī‘āt-i Ḥuqūqī, 1 (2), 89-111.

17. Zaynalī Quṡb Ābādī, Amīnīh. 2015/1394. *Shīnāsāyī-yi Naqsh-i Mu‘alīfīhḡ-yi ṡabrī‘ dar Iṡād-i Huwīyat-i Shahrī (case study: Bābak City)*. Du Faṣḡnāmīh-yi Pazḡhūhīshḡ-yi Manṡar-i Shahr, 2 (4), 7-18.

18. al-Subḡānī al-ṡabrīzī, Ja‘far. 2002/1423. *Tahdhīd al-Uṡūl (Transcribed notes of Imām Khumaynī’s Lecture)*. Vol. 3. Tehran: Mu‘assasat Tanṡīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.

19. Sukūṡī, Riḡā; Shumālī, Nīḡār. 2011/1390. *Jāyegāh-i ‘Adam al-Naf‘ dar Niām Ḥuqūqī-yi Iran*. Nashrīyīh ‘Ilmī-Pazḡhūhīshī-yi Fīqh wa Ḥuqūq-i Islāmī, 1 (1-2), 79-98.

20. Sulaymāyīyah, Maḡdī; ṡabāṡabāṡ Yazdī, leylā. 2021/1400. *Parandīh wa Ātash-i Shīnākḡ-i Iṡīmā‘ī*. Mashhad: Intīshārāt-i Imām; Iṡfahān: Ārmā.

21. Sayyīdī Farkḡad, Sayyīd Maḡdī. 2013/1392. *Nīḡāḡīh bih Jughrāfīyā-yi ṡārīkhī-yi Shahr-i Mashḡad*. Mashhad: Intīshārāt Markaz Pazḡhūhīshḡ-yi Shurā-yi Islāmī Shahr Mashḡad.

22. al-Gharawī al-Shīrāzī al-Iṡfahānī, Faṡḡullā ibn Muḡammad ibn Jawād (Shaykh al-Sharī‘ah) 1990/1410. *Qā‘īdat lā ḡarar*. Qom: Būṡtān-i Kitāb-i Qum (Intīshārāt-i Daftar-i ṡablīḡḡāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī ‘Ilmīyyi-yi Qum).

23. ‘Azīzī, Ḥusayn; Fallāḡ Zādīh, ‘Alī Muḡammad. 2021/1400. *Maṡḡaḡat-i Iṡīmā‘ī dar Fīqh-i Imāmīyah; az Maḡḡūm tā ḡābīṡīh*. Faṡḡnāmīh-yi Dānīsh-i Ḥuqūq-i ‘Umūmī, Summer, 10 (32), 85-104.

24. ‘Amīd, Ḥasan. 2000/1389. Farhang-i Fārsī-yi ‘Amīd. Edited by Farḡād Qurbān Zādīh. Tehran: Intīshārāt Ashja‘.

25. Gharāb, Naṡīr al-Dīn. 2011/1390. *Huwīyat-i Shahrī*. Tehran: RāḡDān: Intīshārāt Sāzīmān Shahrḡārīḡā wa Dīḡyārīḡā-yi Kīshwar.

26. Faṡāḡī, Sayyīd Muḡsin. 2015/1394. *Mīrāṡḡ-i Farḡanḡī-yi Barrasī-yi Fīḡḡī Ḥuqūqī*. Qom: Pazḡhūhīshḡāh-i ‘Ulūm va Farhang-i Islāmī (Islamic Sciences and Culture Academy).

جستارهای
فقهی و اصولی
سال هشتم، شماره پیاپی ۲۶
بهار ۱۴۰۱

۱۵۰

27. al-Qommī, al-Mīrzā Abū al-Qāsim (al-Mīrzā al-Qummī). 2009/1430. *al-Qawānīn al-Muḥkama fī al-Uṣūl*. Edited by Riḍā Ḥusayn Ṣubh. Qum: Ihyā' al-Kutub al-Islāmīyya.
28. Kalāntarī, 'Abd al-Ḥusayn; Burzū, Sipīdih. 2015/1394. *Khātīrih-yi Jam'ī dar Shahr-i Tehran (Taḥlīl-i Faḍā-yi Gūrisān: Hīrātūpīyā wa Makān-i Khātīrihā*. The first national conference on society, architecture and city, <https://civilica.com/doc/590498>
29. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-'Allama al-Majlisī). 1982/1403. *Bihār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-A'imma al-Aḥār*. 2nd. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
30. Muḥaqqiq-i Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. 2012/1391. *Qawā'id-i Fiqh: Bakhsh-i Madanī*. Tehran: Markaz-i Nashr-i Islāmī.
31. Mu'īn, Muḥammad. 2002/1381. *Farhang-i Mu'īn*. Vol. 1. Tehran: Adinā.
32. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. 1991/1370. *al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. Qom: Madrisi-yi Imām 'Alī Ib AbīṬalīb.
33. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Sayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 1995/1415. *Badā'ī' al-Durarr fī Qā'idat Nafy al-Ḍarrar*. Tehran: Mu'assasat Tanzīm wa Nashr Āthār al-Imām al-Khumaynī.
34. Waḥdat, Salmān; Karīmī Mushāwir, Mīhrdād; Bakhshī Balkānlū, 'Ādil. 2017/1396. *Taḥlīl-i Faḍāyī-Makānī-yi 'Awāmīl-i Mu'athir dar Ijād-i Ma'nā-yi Makān az Dīdgāh-i Kārbarān wa Shahr Sāzān, case study: Urūmīyih City*. Faṣṭnāmi-yi Āmāyish-i Juḡhrāfiyā-yi Faḍā, 7 (26), 129-143.
35. al-Hāshimī al-Shāhrūdī, al-Sayyid 'Alī. 1998/1419. *Dirāsāt fī 'Ilm al-Uṣūl (transcribed notes of the Ayatollāh Khuṭb's advance lecture*. Qom: Mu'assasat Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī Ṭibqan li Maḍhhab Ahl al-Bayt.
36. al-Hāshimī al-Shāhrūdī, al-Sayyid Muḥammad. 2011/1433. *Buḥūth fī 'Ilm al-Uṣūl (transcribed notes of the Shahīd al-Ṣadr's advance lecture)*. 3rd. Qom: Mu'assasat Dā'irat al-Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī Ṭibqan li Maḍhhab Ahl al-Bayt.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی